

سخن نخست

بهارقان زیبا

نویهار است در آن کوش که خوشدل باشی
که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی
حافظ

آشفتگی‌ها و غریبانگی‌های این روزها...
دنیای این روزهای ما، پر از آشافتگی و به هم ریختگی است.
هر روزمان شلوغ و همه‌ی وقت‌مان پر است. ساعت‌ها و
دقیقه‌های این روزهای دراز را با دویدن‌ها و نرسیدن‌ها
سپری می‌کنیم و آن‌قدر چشم‌هایمان را به آرزوهای دور و
دراز دوخته‌ایم که از بودن همه‌ی چیزهای اطراف‌مان غافل
گشته‌ایم. آن‌چنان که بقچه‌ی آرزوهایمان پر از «ای کاش
می‌شد» های زندگی شده است. به راستی که ای کاش می‌شد
همه‌ی دویدن‌ها را مقصدی بود و همه‌ی چشم‌دوختن‌ها،
به آرزوهایی می‌رسید تا برای تقدیم نگاه‌هایمان به
غریبانگی‌های معصوم اطراف هم وقتی پیدا می‌کرد. خوب
است که در بهار زندگی، پس از خانه‌تکانی خانه‌ها، این بار
در کنار ماههای رجب و شعبان، کلبه‌ی دل‌مان را آبوجارو
زنیم و طاقجه‌های دل را به نور آیات آسمانی مانوس کنیم
و نگاه‌مان را تقدیم غریبانگی قرآن کنیم. می‌دانیم که این
چنگ‌زدن‌های ریسمان‌الهی و توصل جستن به زنجیره‌ی
أهل بیت، هر دل غم‌دار و آشفته‌ای را در این روزهای آشوب‌زده،
تسکین خواهد بخشید. باشد و امید است که حوالی وجودمان،
نورانی و قلب‌هایمان آرام گردد و مریض احوالی دل‌مان از این
شلوغی‌ها، رهایی یابد.



مقالات





دین، دین‌داری و شاخص‌های آن- قسمت دوم



در یک نگاه کلی برنامه‌های اسلام ذیل برنامه‌های اعتقادی (اصول دین)، دستورات عملی (فروع دین یا احکام) و مسائل روانی (اخلاق) تعریف می‌شوند.

- اصول دین برنامه‌هایی در رابطه با سالم‌سازی فکر و اعتقاد انسان بوده و مکلف باید نسبت به آن‌ها یقین حاصل نموده و آن‌ها را بر اساس دلیل پیذیرد و در آن‌ها تقلید جایز نیست گرچه می‌توان از راهنمایی دیگران برای رسیدن به یقین بهره جست.

- فروع دین یا همان احکام برنامه‌های عملی مکلف و بایدها و نبایدهایی است که با انجام و ترک آن‌ها همراه با اعتقاد صحیح اطاعت خداوند توسط مکلف تحقق می‌یابد.

- اخلاق عبارت از برنامه‌هایی در ارتباط با پرورش روح و سلامت روانی





انسان است که از طریق آن شیوه‌های تقویت صفات پسندیده یا همان فضائل نظیر سخاوت، شجاعت و عزت نفس در وجود انسان‌ها نهادینه گردیده و صفات نکوهیده یا همان رذایل نظیر بخل، حسد و نفاق از وجود انسان زایل می‌گردد.

بنابراین دین اسلام مجموعه‌ای نظاممند متشکل از عقاید و باورها، اخلاق و احکام دینی و شرعی است که این سه برنامه دارای رابطه‌ای مشخص و هندسه‌ای بسیار دقیق و تعریف شده هستند. یکی از اساسی‌ترین مسائل مطرح چنین است: این سه بخش چه نسبتی با هم دارند؟ اولویت با کدام است؟ مکلف چگونه این سه مجموعه از برنامه‌ها را عملی نماید تا هندسه دین داری او هندسه صحیح و به دوراز انحراف و افراط و تفریط باشد؟ تعیین و تبیین شاخص‌ها یکی از ضروریات برای دین داری صحیح و پیشگیری از انحراف در این امر بسیار مهم است. به طور مثال اگر میزان چاپ قرآن در جامعه را ملاکی برای سنجش دین داری بدانیم و میزان عمل به آن را نادیده بگیریم، پوسته و ظاهر دین در آن جامعه حفظ گردیده اما آیا آن جامعه یک جامعه دین دار است؟

اینک با رویکردی درون دینی و با استفاده از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت به ارائه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی اشاره می‌گردد که یک فرد مؤمن و معتقد به اسلام باید آن‌ها را دارا باشد. برای نیل به این هدف، عناصری که در روایات، شاخص دین داری معرفی شده‌اند، استخراج گردیده است. با سنجش عادات و رفتارهای هر شخص با این شاخص‌ها میزان پایبندی و یا عدم پایبندی او به فرمان‌های اسلامی آشکار خواهد گردید. پیش از ارائه این شاخص‌ها بیان چند نکته ضروری است تا زوایای بحث بیشتر روش شود:

الف. مسلمانی و متدين بودن، تنها به عقیده قلبی و ایمان باطنی نیست؛ بلکه عمل نیز جزئی از ایمان است. در روایات متعددی، ایمان به عنوان عقیده قلبی، اقرار زبانی و عمل به احکام معرفی شده است:

حضرت علیه السلام فرموده: **الإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقُلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللُّسُانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.** [۳۰]

”
دین اسلام
مجموعه‌ای نظاممند
متشکل از عقاید
و باورها، اخلاق
و احکام دینی و
شرعی است که این
سه برنامه دارای
رابطه‌ای مشخص و
هندسه‌ای بسیار
دقیق و تعریف شده
هستند.





و یا در سخن دیگری از آن حضرت، عمل به عنوان گواه ایمان به شمار آمده است: **إِيمَانٌ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ وَصَدَقَتِهُ الْأَعْمَالُ.** [۲۱]

امام صادق علیه السلام نیز در رد کسانی که ایمان را تنها معرفت قلبی دانسته، نقشی برای عمل قائل نیستند، می‌فرماید: **إِيمَانٌ عَمَلٌ كُلُّهُ.** [۲۲]

ب. بعضی‌ها دین دان هستند لکن دین‌دار نیستند. شناخت اسلام، منهای تعبد و عمل به آن، ارزشی ندارد. بسیاری از اسلام شناسان غربی و مستشرقان مسیحی و یهودی، اسلام و احکام دین و مقاهیم قرآن را بهتر از بعضی از مسلمانان می‌دانند، ولی آن را نپذیرفته‌اند. پس دین‌داری مهم است نه دین دانی. در بحث شاخصه‌های دین‌داری این نکته را از یاد برد و باسته است که به ابعاد عملی و رفتاری اسلام توجه خاص داشت.

شناخت اسلام،
منهای تعبد و عمل به
آن، ارزشی ندارد.
بسیاری از اسلام
شناسان غربی و

مستشرقان مسیحی
و یهودی، اسلام و
احکام دین و مقاهیم
قرآن را بهتر از
بعضی از مسلمانان
می‌دانند.

ج در بسیاری از روایات، تعابیری از این قبیل دیده می‌شود: مسلمان نیست کسی که...، کسی که... ندارد، دین ندارد، کمال ایمان در... است، مطبع خدا کسی است که... یا مؤمن و مسلمان کسی است که... همه این موارد مشابه، می‌تواند ما را در دستیابی به شاخصه‌های دین‌داری و مسلمانی کمک کند...

د. بحث شاخصه‌های دین‌داری، ما را با سلسله ملاک‌ها و معیارهایی آشنا می‌سازد که از نگاه اولیاء دین، مهم است و باید تدین و تعهد خویش به فرمان‌های دین را با این شاخصه‌ها بسنجیم و اگر کاستی و خللی در





عمل ما وجود دارد، آن را تصحیح و جبران کنیم، این بحث، همچون یک آینه، سیمای مسلمان دین دار را نشان می‌دهد. مقایسه خود با این الگوی متعالی، می‌تواند برای همه ما سازنده باشد و رفتارمان را تصحیح کند. اینک مروری کوتاه و گذرا بر شاخص‌های دین داری در کلمات نوانی حضرت علی-علیه السلام می‌تواند قالب و چارچوب مناسبی را پیش روی ما قرار دهد تا با این سنجه خود را در ترازوی دین داری حقیقی بسنجیم:

۱. معرفت دینی

تا کسی دین خدا را نشناسد، چگونه می‌تواند به آن عمل کند و تا کسی دین دار نشود، چگونه می‌تواند دین دار باشد؟ در کلمات حضرت علی-علیه السلام، شناخت دین، یکی از شاخصه‌ها به شمار آمده؛ از جمله حضرت تأکید می‌کند: **أَوْلُ الدِّينِ مَعْرِفَةٌ**؛ سرآغاز دین، خداشناسی است. [۲۲] و یا **مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ**؛ شناخت دانش، دینی است که پذیرفته و به آن عمل می‌شود. [۲۴]

پس باید در زندگی ایمانی، سهمی برای دین‌شناسی و ارتقای بصیرت دینی اختصاص داد و مسائل فرهنگی را مهم شمرد.

۲. ترک گناه

دین داری، با پیروی از هوای نفس و ارتکاب گناه، ناسازگار است. دین دار واقعی، کسی است که در جستجوی رضای الهی باشد و رضای خدا در ترک گناه است. حضرت علی-علیه السلام در این باره می‌فرماید:

- مَنْ بَادَرَ إِلَى مَرَاضِي اللَّهِ وَتَأَخَّرَ عَنْ مَعَاصِيهِ فَقَدْ أَكْمَلَ الطَّاغَةَ؛ هر که بهسوی کارهای خدا پسند بشتابد و در پی رضای حق و ترک گناهان باشد، طاعتش را کامل ساخته است. [۲۵]

- مِنَ الَّذِينَ التَّجَاوَزُ عَنِ الْحِرَامِ؛ گذشتن از حرام، از دین است. [۲۶]
- مِلَاكُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى؛ معیار دین، مخالفت با هوای نفس است. [۲۷]

۳. عمل صالح

درختان را از طریق میوه‌هایش می‌شناسند. عمل صالح، میوه ایمان راستین مسلمان است و به وسیله اعمال اشخاص، میزان تعهدشان به دین شناخته می‌شود. امام علی-علیه السلام فرموده:

دین داری، با پیروی از هوای نفس و ارتکاب گناه، ناسازگار است.



اللٰهُ

”

- بالصالحاتِ یُسْتَدِلُ عَلَى الإِيمَان؛ با عمل‌های صالح، به ایمان کسی استدلال می‌شود (عمل صالح، دلیل دین‌داری است). [۳۸]
- یَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجْهِهِ (انسان تقوایش) اعمال صالح انجام می‌دهد؛ در عین حال، باز بیمناک است. [۳۹]

۴. اهتمام به واجبات

- بالاترین تکلیف، عمل به واجبات است.
- او به واجبات و ادای تکالیف الهی شناخته می‌شود و ضایع ساختن فرایض، بیشترین ضربه را به دین می‌زند. ترک واجبات، نخستین گام فروپاشی بنیان دین‌داری است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:
- مَا أَوْهَنَ الدِّينَ كَتَضِيَعِ الْفَرَائِضِ؛ [۴۰] هیچ‌چیز، مانند تباہ ساختن واجبات، دین را سست نمی‌کند.

- حضرت در وصیت‌نامه‌اش پس از ضربت خوردن، بر نماز تأکید می‌کند و آن را ستون دین می‌داند؛ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ. [۴۱]

- در عهدنامه مالک اشتر تأکید بسیاری به اقامه فرایض دارد که خالص کننده دین برای خدا و عبادت ویرهای است. توصیه حضرت آن است که





مسلمان در روز و شب، حق نماز را ادا کند و به آن اهمیت دهد؛ و لَيْكُنْ فِي
خَاصَّةٍ مَا تُؤْلِحُنُ بِهِ لَهُ دِينَكَ إِقَامَةً فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةً۔ [۴۲]
ترک واجبات و پرداختن به مستحبات، مثل آن است که جاده اصلی خراب
باشد؛ اما به بازسازی حاشیه یا جاده فرعی پردازیم.

۵. صدق و امانت

در رهنمودهای معصومان-علیهم السلام- آمده که به زیادی نماز و روزه افراد
نگاه نکنید؛ بلکه مردم را در عرصه صدق و امانت بیازمایید؛ یعنی راستگویی
و امانتداری، شاخصه مهم دین داری است و هر که امین و راست گو نباشد،
دین ندارد.

“

... راستگویی و
امانتداری، شاخصه
مهن دین داری است
و هر که امین و
راستگو نباشد،
دین ندارد...

این نکته در کلمات امام علی عليه السلام هم آمده:

- أَدَّ الْأَمَانَةَ إِذَا أُتْمِنْتَ وَلَا تَتَهَمْ غَيْرَكَ إِذَا اتَّمَنْتَهُ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ؛ اگر امین شمرده شدی، امانت را برگردان و اگر کسی را امین قرار دادی،
به او تهمت مزن. همانا کسی که امانت ندارد، ایمان ندارد. [۴۳]
- يُسْتَدَلُّ عَلَى دِينِ الرَّجُلِ بِصَدْقِهِ وَوَرَعِهِ؛ صدق و پرهیز کاری شخص، دلیل
دین داری اوست. [۴۴]

- جَانِبُوا الْكُذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ؛ از دروغ پرهیزید؛ چرا که دروغ، با ایمان
ناسازگار است. [۴۵]

حضرت اسماعیل علیه السلام با شخصی قرار گذاشت؛ ولی او در وعده گاه
حاضر نشد. آن حضرت، مدت بسیاری در آنجا به انتظار وی نشست؛ به گونه‌ای
که غیبت طولانی ایشان، سبب نگرانی پیروانش گردید. سرانجام، فردی که
برحسب اتفاق از آنجا می‌گذشت، حضرت را دید و گفت: ای پیامبر خدا! ما
بر اثر تأخیر شما نگران شده‌ایم. حضرت فرمود: من با فلان کس در اینجا
وعده دیدار دارم؛ ولی او نیامده است و تا او نیاید، من از اینجا نمی‌روم! آن
مرد جریان را به مردم خبر داد و آن‌ها به سراغ شخص موردنظر رفتند و او
را نزد آن حضرت آوردند. مرد با شرم‌ساری گفت: ای پیامبر خدا! من قرار
دیدار با شما را فراموش کردم. ایشان فرمود: اگر نیامده بودی، من همچنان
در اینجا می‌ماندم. [۴۶]





پی نوشت :

- در مورد پیامبر گرامی اسلام-صلی الله علیه و آله- نیز آمده است که ایشان روزی کنار سنتگی با شخصی و عده دیدار داشتند. آفتاب بالا آمد و هوا گرم شد؛ ولی او همچنان نیامد. یاران آن حضرت به ایشان گفتند: خوب است که از آفتاب به سایه بیایید. حضرت فرمود: من با او در اینجا و عده دیدار دارم و تا او نیاید، از اینجا حرکت نخواهم کرد. [۴۷]
- [۳۰]. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷
- [۳۱]. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۰۸
- [۳۲]. کلینی، الكافی، ج ۲، ص ۳۸
- [۳۳]. نهج البلاغه، خطبه ۱
- [۳۴]. همان، حکمت ۱۴۷
- [۳۵]. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۷۳۴۶
- [۳۶]. همان، ح ۸۶۹۴
- [۳۷]. همان، ح ۹۰۵۶
- [۳۸]. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶
- [۳۹]. همان، خطبه ۱۹۳
- [۴۰]. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۸۸۶۸
- [۴۱]. نهج البلاغه، نامه ۴۷
- [۴۲]. همان، نامه ۵۳
- [۴۳]. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۱، ح ۲۲۱۶
- [۴۴]. همان، ج ۲، ح ۱۰۱۴۶
- [۴۵]. همان، ج ۱، ح ۴۶۳۶
- [۴۶]. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۵
- [۴۷]. همان



جستاری درباره وظایف منتظران حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه)



دکتر مرضیه محصص / عضو هیئت‌علمی دانشکده الهیات دانشگاه شهید بهشتی

ایده ظهور منجی بزرگ که با ظهور خویش، عدل و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ انسان، به ارمغان خواهد آورد و به ستم ظالمان پایان خواهد بخشید، عقیده‌ای است که پیروان ادیان سه‌گانه ابراهیمی و بخش چشمگیری از سایر ملت‌ها بدان ایمان دارند. در این راستا ادبیات دینی مکتب حیات‌بخش تشیع، مفهومی بسیار والا و ژرف برای وازگان «انتظار» و «منتظر» ترسیم نموده است. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرْجِ»^۱؛ انتظار فرج، برترین عبادت‌ها است. تعابیر فحیم معصومان (ع) در بزرگداشت منزلت منتظران موعود (عج) نیز قابل توجه است. امام کاظم (ع) فرمود: «خوشابه حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما،



به ریسمان ما چنگ می‌زنند و بر دوستی ما و دشمنی دشمنان ما ثابت می‌مانند. ایشان از ما و ما از ایشان هستیم. آنان به امامت ما خشنود و ما به پیروی آنان خرسندیم. خوشابه احوال آنان! به خدا سوگند آنان در روز قیامت، در مرتبه ما و با ما خواهند بود.»^۲

از مجموعه معارف وحیانی چنین برداشت می‌شود که انتظار راستین منوط به تحقق شرایطی است و منتظران ثابت‌قدم، ملزم به گسترهای از وظایف هستند. در این نوشتار به دو وظیفه منتظران حضرت حجت (عج) اشاره می‌شود:

۱- خویشتن‌داری

خویشتن‌داری را می‌توان عاملی دانست که موجب دگرگونی در هویت انسانی و الگوهای رفتاری می‌گردد. علیرغم توجه روانشناسان معاصر بدین موضوع، قرآن کریم از آغاز نزول توجه ویژه‌ای نسبت بدان معطوف داشته و ضرورت توجه مسلمانان را متذکر شده است. در فرهنگ واژگان قرآنی واژه «تقوا» ارتباط معنایی وثیقی با مفهوم خویشتن‌داری دارد. این موضوع از مباحث مهم دینی و همچنین از مهمترین فضیلت‌های اخلاقی است که تاثیر شگرفی بر رفتار فردی و اجتماعی انسان دارد. مطابق آیات این خصیصه ملاک و میزانی است که حقیقت انسان بر آن مبنای سنجیده می‌شود (حجرات: ۱۳) در قرآن کریم تعابیر تفکر برانگیزی از این مفهوم ذکر شده است؛ بهترین توشه (بقره/۱۹۷)، قرین عدالت (مائده/۸)، زبینده‌ترین پوشش (اعراف/۲۶)، انسان پرور و ادب آفرین (حجرات/۳)، روشنی‌بخش و علم آفرین (بقره/۲۲۸)، موجب تعمیق قوای شناختی (انفال/۲۹)، مسبب آمرزش گناهان و پاداش شکوهمند (طلاق/۲). می‌توان اذعان داشت در یک نگاه قرآنی، اساساً زندگی برخوردار از بنیان خویشتن‌داری در برابر اوامر الهی، قابل قیاس با زندگی عاری از این بنیان نیست.^۳ خداوند متعال می‌فرماید: «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ ثَقَوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرَضِوَانَ حَيْرَأَمَّ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ سَفَّا جُرْفٍ هَارِ فَانْهَرَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه: ۱۰۹) «آیا کسی که بنیان [امورش] را بر پایه تقوای الهی و رضای او نهاده بهتر است یا کسی که بنیان [امورش] را بر لب پرتگاهی سست و فروریختنی



خویشتن‌داری را
می‌توان عاملی
دانست که موجب
دگرگونی بر
انسانی و الگوهای
رفتاری می‌گردد



نهاده؟! و آن بنا با بنائ Kendrick اش در جهنم سقوط می‌کند» از نظر علامه طباطبایی، مدیریت نفس و ساماندهی به انگیزه‌ها، تمایلات و رفتارها تنها در سایه‌ساز تقوا امکان‌پذیر است.^۴ به عبارت دیگر غرض، خود نگهداری از هوس‌ها، پرهیز از آفات تکامل روح و خویشتن داری در برابر گناهان و شهوت است که به صورت ملکه و عادات برای انسان درآمده باشد.^۵ شهید مطهری «خود نگهداری» را ترجمه صحیح واژه تقوا بر شمرده است.^۶ اجتناب، ترس و خودداری از گناه نیز معادل تقوا دانسته شده است.^۷ یکی از معاصران معتقد است خویشتن‌داری، حاصل معادله (یادآوری، بینش، بازداری) است و در ادبیات پیشوایان با تعبیرهایی همچون امساك، قصر، اجتناب، ترك، حصن، وقایه و حاجز آمده است.^۸ محققان کوشش‌های عقلانی فرد برای تنظیم رفتار و پیشگیری از آسیب‌ها را از جمله ضروریات یک زندگی شرافتمدانه به شمار می‌آورند.^۹ شیعه‌ی منتظر، آراسته به زیور خویشتن‌داری است؛ زبرا قیام مهدوی در جهت تربیت نفوس و پرورش دین دارانی خویشتن‌دار است.

۲- صبر و برداری

واژه‌شناسان «صبر» را به معنای بازداشت نفس، امساك کردن، انتظار کشیدن و اکراه‌داشتمنی دانند. صبر، بازداشت خویش از انجام اموری است که عقل و شرع، خویشتن‌داری از آن را اقتضاء می‌کند.^{۱۰} در تعبیری دیگر، صبر به پایداری نفس و عدم تشویش در سختی‌ها، همراه با گشادگی خاطر به‌نحوی که زبان از شکایت و اعضای بدن از حرکات ناهنجار حفظ شود، اطلاق شده است.^{۱۱} از نظر محققان، شکیبایی از غالب رفتارهای واکنشی و برانگیختگی‌های عاطفی در شرایط ناکامی که به آسیبرسانی جسمی و روحی به دیگران منتهی می‌گردد، پیشگیری می‌نماید.^{۱۲} این پایداری در صورتی از لحاظ اخلاقی، فضیلت محسوب می‌شود که هدف شخص صابر، کسب کمال اخلاقی و تقرب به خداوند متعال باشد.

در نگرش قرآنی که هستی انسان محدود به حیات مادی نیست و زندگی دنیوی، سرنوشت ابدی را رقم می‌زند، نحوه تعامل با دیگران، ارزشی بی‌نهایت می‌یابد. (حل ۹۶، عنکبوت ۶۴/ یونس ۴، آل عمران ۳۰) از این منظر فهم عمیق فناپذیری تعلقات انسان در دنیا و جاودانگی عطا‌یای

“

واژه‌شناسان
«صبر» را به معنای
بازداشت نفس،
امساك کردن،
انتظار کشیدن
و اکراه‌داشتمنی
می‌دانند





- تنظیم علی اسلامی، قم، نشر اسراء، ص: ۱۱۰
- ۸- پسندیده، عباس (۱۳۸۹)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران، انتشارات سمت، ج ۲، ص ۸۴
- ۹- قائمی، علی (۱۳۸۶)، نظام حیات خانواده در اسلام، انتشارات انجمان اولیاء و مریبان، تهران، ص ۲۲۴
- ۱۰- طریحی، فخر الدین، (۱۴۰۸)، مجمع البحرين، تحقیق: السید احمد الحسینی، تهران، مکتبه نشر الشفافه الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۰۳
- ۱۱- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳)، جامع السعادات، تصحیح و تعلیق سید محمد کلانتر، ج ۳، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ج ۳ ص ۲۸.
- ۱۲- برکوتیز، لئونارد (۱۳۸۷)، روان شناسی اجتماعی، ترجمه محمد حسین فرجاد، عباس محمدی اصل، انتشارات اساطیر، تهران، ج ۵، ص ۴۲۳.

الهی (شوری ۳۶، زمر ۱۰/بقره ۱۵۷) نقش بسیار مهمی در تقویت تاب آوری افراد در چالش‌ها ایفا می‌نماید. منتظر راستین در مواجهه با دشواری‌های بزرگ دوران غیبت، استقامت می‌ورزد و در جهت پی‌جوبی آرمان‌های امت اسلامی گام برداشته و عمل می‌نماید.

پی نوشت :

- ۱- الجامع الصحیح (السنن ترمذی)، ج ۵، باب ۱۱۶، ص ۵۶۵
- ۲- نوادر الاخبار فی ما یتعلق باصول الدين، فیض کاشانی، ج ۱، باب ۳۲
- ۳- انوار درخشنان در تفسیر قرآن، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴، سید محمد حسینی همدانی، ج ۸، ص ۱۱۸
- ۴- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۱ ص ۴۸
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، انتشارات مدرسه‌الامام علی بن ابی طالب، ج ۵، ۱۳۷۴، ص ۴۲۸، ج ۱.
- ۶- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، ده گفتار، انتشارات صدراء، تهران ص ۱۷
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، تفسیر موضوعی قرآن، مراحل اخلاق در قرآن،

جدول

فصل نامه قرآنی - دانشجویی مشکاه - شماره ۷ - بهار ۱۳۹۵

سوالهای این جدول، از شماره پیشین نشریه مشکاه گرفته شده است.



۱- این سخن از کیست؟ دین زمینی به مرحله ختم خویش نائل می‌شود که جمیع جهات احتیاج انسان را در برگیرد و در این صورت، دیگر هیچ دینی به دنبالش نخواهد آمد.

۲- "اِلْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ" نشانگر این است که اسلام.... ادیان است.

۳- در حدیث منزلت ، به بودن پیامبر اشاره شده است.

۴- هر..... را وقت معینی است. (سوره انعام، آیه‌ی ۶۷)

۵- بر..... باکی نیست.

(سوره توبه، آیه‌ی ۹۱)

۶- مسلمانی که بذری بیفشداد، نهالی بشاند و از دستآوردن آن بذر و نهال، پرنده، انسان یا چرندگان بخورد، برایش..... محسوب خواهد شد.
پیامبر اکرم(ص)

۷- اصل خاتمیت، یکی از مباحث است.

لطفاً پاسخ خود را تاپایان فصل بهار به آدرس نشریه مشکاه ارسال فرمایید.

gahnamemeshkat@gmail.com





ضرب المثل های قرآنی



۱. «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مُّثْلِهَا ؛

و جزای بدی، بدی ای است مانند آن.» (سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۴۰) کلوخ انداز را پاداش، سنگ است. (سعدی)

”

The recompense of a sin is a sin like it.

Your sins will find you out!

پس بهیقین بعد از
هر سختی، آسانی
است.

۲. «ولُكُلُ أُمَّةٍ أَجَلٌ؛

و برای هر امتی، اجلی است» (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۴)

که کار خدای، نه کاری است خُرد ... قضای نبیشه نشاید سِتُر د

(فردوسی)





فصل نامه قرآنی - دانشجویی مشکاه - شماره ۷ - زمستان ۱۳۹۵

فضا کشتی آن جا که خواهد بَرَد؟ ... و گر نا خدا جامعه بر تن دَرَد

(سعدی)

And to every nation [there is] a term...

What must be, must be! / There is no escape from fate!

۳. «وَأَن لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛

و انسان را نیست جز آنچه کوشش کند.» (سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۳۹)

نا برده رنج گنج میسر نمی شود ... مُذ آن گرفت جان براذر که کار کرد

(سعدی)

And that everyone shall have in his account only that which he worked for.

No pain, no gain!

۴. «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ؛

گناهکاران به چهره و سیمای شان شناخته شوند.» (سوره‌ی الرحمن، آیه‌ی ۱۶)

رنگ رخسار، خبر می‌دهد از سر ضمیر

(سعدی)

The sinners shall be known by their faces...

The face is the index of the mind!

۵. «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبَحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ؛

آنان اند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند، پس تجارت‌شان سودی

نکرد و از هدایت یافتنگان نبودند.» (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶)

دین به دنیا فروشان خرند ... یوسف فروشند تا چه خرند



و هرگز دستات را

برگردان ات زنجیر

مکن (و ترک اتفاق

و بخشش مکن) و

بیش از حد (بنیز)

دست خود را مگشا.





*Such are those who barter away guidance for error, their trade did not profit (them), nor are they guided.
They have lost the horse, yet look for the horseshoe!*

۶. «أَنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ؛

همانا من آن می بینم که شما نمی بینید.» (سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۸)

تو مو می بینی و من پیچش مو.

I can see what you cannot.

You read the words but I can read between the lines.

۷. «اَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ اَهْلِي، هَارُونَ اخِي، اشْدُدْ يَهْ أَزْرِي؛

واز اهل من برایم وزیری قرار بده. هارون برادرم را، پشت من بدرو استوار کن.» (سوره‌ی طه، آیه‌ی ۲۹)

اگر دو برادر دهد پشت به پشت ... تن کوه را باد ماند به مشت (فردوسی)

برادر پشت برادر است.

Appoint for me a minister from my family; Aaron, my brother; by him confirm my strength.

Bothers scratch one another's back/ Brothers never leave each other alone.



آئُنَّ الْحِسْرَةِ سَلَامٌ بِرَهْلَلِ رَجَبٍ هُنَّ

رجب، ماه استغفار است؛ زیاد استغفار کنیم...

● ● ● زیباترین استغفار ● ● ●

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

هر کس بعد از نماز عصر هر روز، روزی یکبار استغفار زیر را بگوید، خداوند به دو ملک مأمور او دستور می دهد که نامه کردار زشت او را، هر چه هست، پاره کنند:

“

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيْوُمُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو (ذَا) الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوَبَ عَلَى تَوْبَةِ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاصِّي فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلُكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًا وَلَا (مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُثُورًا)»

«از خداوند، طلب آمرزش می کنم ، خدائی که معبدی جز او نیست ، زندهای ازلی و ابدی ، بخشنده و مهربان ، صاحب جلالت و جوانمردی است. و از او می خواهم که توبه مرا بپذیرد ، بسان (پذیرش) توبه بنده خواری که فروتن و تهیdest، نیازمند و درمانده، و حقیر و پناهنده گشته، و مالک هیچ سود و زیان، مرگ و حیات و دوباره زنده شدنی نیست.»

هر کس بعد از نماز
عصر هر روز، روزی
یکبار استغفار زیر
را بگوید، خداوند
به دو ملک مأمور او
دستور می دهد که
نامه کردار زشت او
را، هر چه هست،
پاره کنند...



معلم ایمان را بر لوح حبان و ضمیرهای پاک حک می کند وندای فطرت را به کوش همه میرساند

۱۲ اردیبهشت ماه، روز گرامیداشت مقام استاد گرامی باد.

حضرت امام خمینی رحمة الله درباره مقام معلم می فرماید: «نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست؛ انبیا هم معلم بشر هستند. نقش معلم، بسیار حساس و مهم است و مسئولیت بسیار زیادی دارد. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که اخراج من الظلمات الى النور است. معلم، امانت داری است که [امانت او] غیر از همه امانت هاست؛ انسان، امانت اوست. امانت های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند، خلاف کرده است، اما امانت اگر انسان باشد، اگر خدای نخواسته به این امانت خیانت شد، یک وقت می بیند خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. معلم، امانت دار نسلی است که تمام مقدرات یک کشور، به آن نسل سپرده می شود و تربیت شما باید همراه با تعلیم باشد»...



۲۷ رجب، مبعث رسول اکرم (ص)

مبارک باد

وصلِ یار

هم نبوت را بدمست آورد و هم ختم الرسل

بض هستی لزه برگهای کوه نور زد

با چنین وال مقامی چشمها را خیره کرد

باغبانِ انبیاء، گل غمهای مسرور زد

تیرها بر دیدگانِ دشمنانِ کور زد

چشم کوههای دگر، پیش حوا تاریک بود

دیگر از حرف یتیمی و شبانی نیست حرف

چشم خورشیدی او علت براین مشهور زد

سیلی سنگین بعثت برخِ مغورو زد

بس که شیرین بود وصلِ یار در غارِ حرا

دست شیطان را بست و شاهکاری را کشود

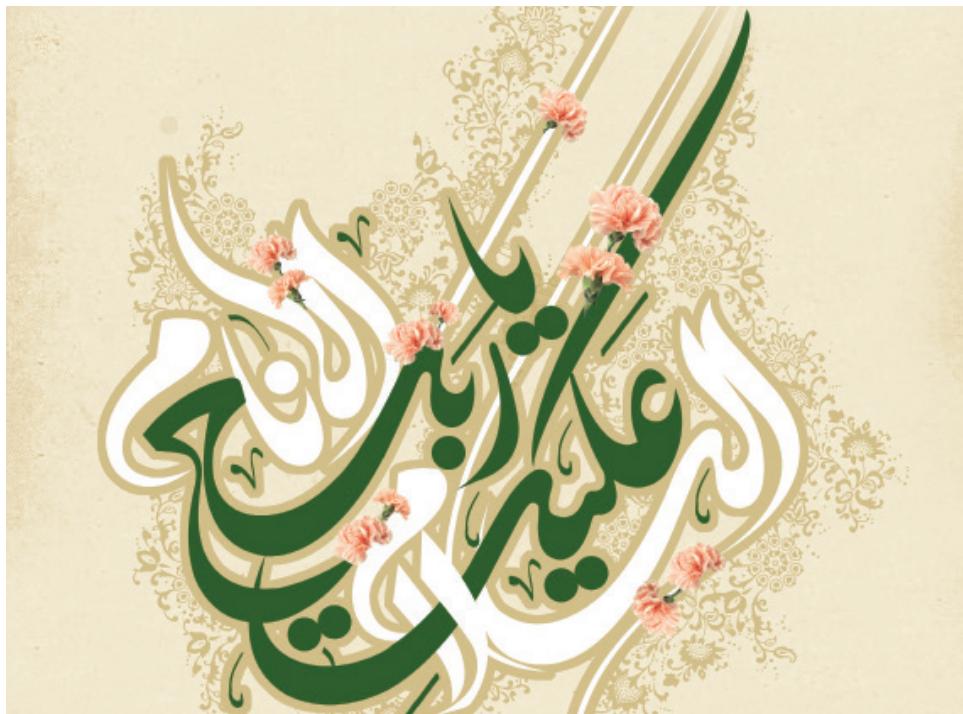
صد مَالِک با بالهای سردرش را تور زد

گفت «اسلام» و همه ایلسیان را دور کرد





ولادت حضرت علی اکبر و روز جوان
بر جوانان این مرزو بوم خجسته باد



مهدی سجده / دانشجوی کارشناسی رشته حسابداری دانشگاه شهید بهشتی



فرازهایی از مناجات شعبانیه

خدایا! اگر مرا به جرمam بگیری، دست به دامان عفو تو می‌زنم...
 و اگر مرا به گناهان ام مؤاخذه کنی، تو را به بخاشایش، بازخواست می‌کنم...
 اگر در دوزخم افکنی، به دوزخیان اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم...
 خدايا! اگر در کنار طاعات، عمل ام کوچک است، امید و آرزویم بزرگ و بسیار است...
 خدايا! از آستان تو چگونه تهی دست و محروم برگردم، باآن که گمان نیک من نسبت
 به جود تو آن است که
 نجات یافته و رحمت شده مرا بازگردانی...





رسول خدا محمد مصطفی(ص) می‌فرمایند: «شعبان ماه شریفی است و آن ماه من است، حاملان عرش آن را بزرگ می‌شمارند و حق آن را می‌شناسند، آن ماهی است که در آن همچون ماه رمضان روزی بندگان زیاد می‌شود و در آن بهشت آذین بسته می‌شود و این ماه را شعبان نامیدند، زیرا در آن ارزاق مومنان تقسیم می‌شود و آن ماهی است که در آن عمل چند برابر می‌شود و کار نیکو در آن هفتاد برابر ثمر می‌دهد.^۱

شعبان مقدمه ایست برای رسیدن به رمضان؛ آری هنگامی که انسان قصد دیدار بزرگی را می‌کند با شوق فراوان برای فرا رسیدن آن روز لحظه‌ها را می‌شمارد و مقدمات را فراهم می‌کند تا با آمادگی کامل به محضر او شرفیاب شود؛ آری انسان عاشق برای دیدار با پروردگار خود لحظه‌شماری می‌کند و به شوق رسیدن به رمضان قدر شعبان را خواهد دانست، این ماه رنگی دیگر برای عاشقان خدا دارد و بوی یار می‌دهد و هنگامه وصل را نویدبخش است؛ ماهی که پیامبر رحمت آن را ماه خود نامید و بزرگان دین صلووات را از بزرگترین اعمال آن می‌دانند.

شعبان یکی از سه ماه ویژه بهار بندگی و مناجات یعنی رجب، شعبان و رمضان است که در باب فضیلت آن در احادیث و روایات بسیار تاکید شده است و رویدادهای مهمی در این ماه اتفاق افتاده است که گواه فضیلت و لزوم توجه ویژه به این ماه است.

تولد های آسمانی در ماهی که منسوب به پیامبر اکرم(ص)
است

روزهای ابتدایی شعبان سو شمار از شادی و سرور اهل بیت و مومنین است به سبب مولودهای مبارکی که در این ایام چشم به جهان گشودند؛ سوم شعبان روز میلاد امام حسین(ع) و چهارم میلاد حضرت ابوالفضل(ع) و پنجم شعبان ولادت با سعادت امام سجاد(ع) است و نیمه شعبان نیز که به راستی شان و شرافت بسیار بالایی دارد روز میلاد منجی عالم بشریت و مهدی موعود (عج) می‌باشد که در روایت آمده است که این روز از شب‌های قدر است و به احیای آن سفارش فراوانی شده است.

نیمه شعبان افضل شبها است بعد از لیلة القدر

شب نیمه شعبان در نزد خدا چنان مقام و منزلتی دارد که میلاد با سعادت

“

... آری هنگامی که انسان قصد دیدار بزرگی را می‌کند با شوق فراوان برای فرا رسیدن آن روز لحظه‌ها را می‌شمارد و مقدمات را فراهم می‌کند تا با آمادگی کامل به محضر او شرفیاب شود؛ آری انسان عاشق برای دیدار با پروردگار خود لحظه‌شماری می‌کند و به شوق رسیدن به رمضان قدر شعبان را خواهد دانست، این ماه رنگی دیگر برای عاشقان خدا دارد و بوی یار می‌دهد و هنگامه وصل را نویدبخش است؛ ماهی که پیامبر رحمت آن را ماه خود نامید و بزرگان دین صلووات را از بزرگترین اعمال آن می‌دانند.

شعبان یکی از سه ماه ویژه بهار بندگی و مناجات یعنی رجب، شعبان و رمضان است که در باب فضیلت آن در احادیث و روایات بسیار تاکید شده است و رویدادهای مهمی در این ماه اتفاق افتاده است که گواه فضیلت و لزوم توجه ویژه به این ماه است.

تولد های آسمانی در ماهی که منسوب به پیامبر اکرم(ص)
است

روزهای ابتدایی شعبان سو شمار از شادی و سرور اهل بیت و مومنین است

به سبب مولودهای مبارکی که در این ایام چشم به جهان گشودند؛ سوم

شعبان روز میلاد امام حسین(ع) و چهارم میلاد حضرت ابوالفضل(ع) و پنجم

شعبان ولادت با سعادت امام سجاد(ع) است و نیمه شعبان نیز که به راستی

شان و شرافت بسیار بالایی دارد روز میلاد منجی عالم بشریت و مهدی موعود

(عج) می‌باشد که در روایت آمده است که این روز از شب‌های قدر است و

به احیای آن سفارش فراوانی شده است.





امام زمان(عج) در این شب، واقع شده و بر عظمت آن افزوده است و به روایاتی، نیمه شعبان همان «شب قدر»^۲ و تقسیم ارزاق و عمرها است و اعمال زیادی برای احیای این شب در احادیث آمده است که از جمله فضایل این شب این است که از شب‌های مخصوص زیارتی امام حسین(ع) است که صد هزار پیامبر آن حضرت را در این شب زیارت می‌کنند؛ از دیگر اعمال این شب خواندن دعای کمیل در سجده است. روایت شده که کمیل از شیعیان امام علی(ع) می‌گوید که دیدم حضرت، دعای کمیل را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند و از نمازهای مستحبی که در این شب وارد شده، دو رکعت نماز است که در هر رکعت بعد از حمد، صد مرتبه توحید خوانده می‌شود.

روزه شعبان برای جلب محبت پیامبر(ص) و تقرب به‌سوی پروردگار

در روایات است که چون ماه شعبان فرا می‌رسید امام سجاد(ع) اصحاب خود را جمع می‌کرد و می‌فرمود: ای اصحاب من! می‌دانید این چه ماهی است؟ این ماه شعبان است. رسول خدا(ص) می‌فرمود: شعبان، ماه من است پس در این ماه برای جلب محبت پیامبر خود و تقرب به‌سوی پروردگار خود روزه بدارید که هر کس این کار را انجام دهد خداوند او را دوست می‌دارد و در روز قیامت کرامت خود را نصیب او می‌گرداند و بهشت را برای او واجب می‌گرداند.^۳

ماه شعبان فرصت طلایی برای استغفار و طلب آمرزش^۴

استغفار، روح آدمی را زلال می‌سازد، قلبش را صیقل می‌دهد و گناهان گذشته را از وجودش پاک می‌کند. اگر آدمی بتواند روح خویش را در این ماه با توبه و استغفار جلا دهد توان خود را در بهره‌وری از ماه رمضان و دریافت برکات بیشتر افزایش می‌دهد؛ در کنار روزه استغفار و توبه به پیشگاه حضرت حق سفارش شده است؛ از امام رضا(ع) سوال شد که کدام دعا در ماه شعبان جایگاه والایی دارد؟ ایشان در جواب فرمودند: استغفار... همانا کسی که در ماه شعبان هر روز هفتاد مرتبه استغفار کند همانند کسی است که در سایر ماه‌ها هفتاد هزار بار این ذکر را گفته باشد. کیفیت نقل آن نیز این چنین است: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ». بهطور کلی، استغفار از گناهان اثر فوری در رفع مصائب و گرفتاری‌ها و گشوده شدن درب نعمت‌های آسمانی و زمینی

پس بهیقین بعد از
هر سختی، آسانی
است.



دارد، قرآن نیز به روش‌های گوناگون بر این امر اشاره کرده است؛ از جمله این آیه از سوره نوح: «وَقَفْتُمْ مِّنْ بَرْوَادِ الْمَسْكَةِ أَمْرَزَشْ بَخْوَاهِيدْ كَه او همواره آمَرْزَنَدَه است؛ بر شما از آسمان باران پی دری می فرستد و شما را به اموال و پسران یاری می کند و برای تسان باغها و نهرها قرار می دهد.»

شعبان و صلوات شعبانیه^۵

یکی از اعمال سفارش شده ماه شعبان، خواندن صلواتی است که به صلوات شعبانیه معروف است که این صلوات شامل برکات ماه و کارهایی که باید برای رسیدن به این برکات انجام دهیم؛ این دعا با صلوات‌هایی شروع می‌شود که توجه به شئون نبی اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) است؛ به اختصار درباره فراز ابتدایی این صلوات اندکی صحبت می‌کنیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي الْلَّجْجِ الْغَامِرَةِ يَأْمُنُ مَنْ رَكَبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تُرَكَهَا»

خدایا درود فرست
بر محمد و خاندان محمد، کشتی جاری در موج‌های
پیچیده که هر کس بر آن سوار شود ایمن می‌شود و هر کس آن را
ترک کند غرق می‌شود؛ انسان سالک می‌باشد در این دنیا حالت غریق
داشته باشد که در روایات هم تاکید شده است؛ در غیر این صورت انسان
مبتلای به شرک می‌شود اما حالت غریق یعنی کسی که در اوج نیاز، از
همه تکیه گاه‌ها منقطع گردیده است. این توجه مقدمه درک حضور خداوند
و رسیدن به مقام اخلاص است و انسان تا مضطر نشود و حالت غریق پیدا
نمکد، متکی به خدا نمی‌شود و تا متکی نشود در سلوك خود به نتیجه
نمی‌رسد؛ یعنی حتی به عقل و عبادات خود نباید متکی باشد و وقتی
این حالت در انسان شکل گرفت، کشتی نجات او اهل بیت علیهم السلام
می‌باشد.

منابع:

۱. مفاتیح الجنان، ص ۲۵۸
۲. اثیاء الهدی، جلد ۷، ص ۱۶۲
۳. مفاتیح الجنان، ص ۲۵۸
۴. عيون اخبار الرضا، جلد ۲، ص ۵۷
۵. سایت rasekhoon.net



فصل نامه قرآنی - دانشجویی مشکاة - شماره ۷ - بهار ۱۳۹۵

ماه شعبان، ماه رسول خدا (ص) بر شما عزیزان گرامی باد



ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا
کردن و بخیل ترین مردم کسی است
که از سلام کردن و امامت.

امام حسین (ع)

سه حالت و خصلت در هر یک از مومان
باشد در پناه خداوند خواهد بود و روز
قیامت در سایه رحمت عرش الهی است
و از سختی‌ها صحرای محشر در امان:
اول آن که در کارگشایی و کمک به
نیازمندان و درخواست‌کنندگان دریغ
نماید.

دوم آن که قبل از هر نوع حرکتی،
بیندیشید که کاری را که می‌خواهد
انجام‌دهد یا هر سخنی را که می‌خواهد

بگوید آیا رضایت و خوشنودی خداوند در آن است یا مورد غضب و سخط اöst.
سوم، قبل از عیب‌جویی و بازگویی عیب دیگران، سعی کند عیبهای خود را برطرف نماید.

امام سجاد (ع)

دانيا فنا و زوال اش نزديك گرديده و در حال وداع است و من شما را بهسوی خدا و پيامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - و عمل به قرآن اش و ميراندن باطل و زنده کردن سنت، دعوت می کنم.

حضرت مهدی (عج)



مبارک
اللهم مصان
الله مصان



رمضان





داستان کلوخ



روزی بهلول از کوچه‌ای می‌گذشت؛ شنید که استادی به شاگرد هایش می‌گوید: من در سه مورد با امام صادق(ع) مخالفam. اول این که می‌گوید خدا دیده نمی‌شود؛ پس اگر دیده نمی‌شود، وجود هم ندارد.

دوم می‌گوید: خدا شیطان را در آتش جهنم می‌سوزاند؛ در حالی که شیطان، خود از جنس آتش است و آتش تأثیری در او ندارد.

سوم می‌گوید: انسان کارهایش را از روی اختیار انجام می‌دهد؛ در حالی که چنین نیست و از روی اجبار انجام می‌دهد.

بهلول که این‌ها را شنید، فوراً کلوخی دست گرفت و به‌طرف او پرتاب کرد و به وسط پیشانی استاد خورد. استاد و شاگردان در پی او افتادند و او را به نزد خلیفه آوردند.

خلیفه گفت: ماجرا چیست؟

استاد گفت: داشتم به دانش آموزان درس می‌دادم؛ که بهلول با کلوخ به سرم زد و الان درد می‌کند.

بهلول پرسید: آیا تو درد را می‌بینی؟
گفت: نه

بهلول گفت: پس دردی وجود ندارد. ثانیاً مگر تو از جنس خاک نیستی و این کلوخ هم از جنس خاک پس در تو تأثیری ندارد.

ثالثاً: مگر نمی‌گویی انسان‌ها از خود اختیار ندارند؟ پس من مجبور بودم و سزاوار مجازات نیستم.

استاد این‌ها را شنید و خجل شد و از جای برخاست و رفت.